

نام و نام خانوادگی دانشجوین	موضوع پایان نامه	استاد راهنما	استاد مشاور
زهرا روحی نیاسر-سیده کلثوم علوی	روش شناسی حکمت متعالیه	خانم دکتر شهیدی	_____
<b>چکیده پایان نامه</b>			
<p>در عالم فلسفه اسلامی - به تأیید اکثر محققان و اندیشمندان این حوزه - حکمت متعالیه صدرالمتألهین شیرازی، گوی سبقت را از سایر مکاتب فلسفی ربوده است و پس از گذشت قرن‌ها، هنوز از جایگاهی بس رفیع در این حوزه برخوردار است. جهت کشف این امتیاز برجسته، لازم است تا سیری منطقی در این زمینه مورد تحقیق و سؤال قرار گیرد که در پژوهش حاضر نیز- در حد توان- پژوهشگران سعی خود را بر این موضوع مبذول داشته‌اند.</p> <p>اولین گامی که در این زمینه برداشته شد، بررسی روش‌های فکری سابق بر ملاصدرا و چگونگی تلفیق این روش‌ها توسط محدث حکمت متعالیه است. پیش از فلسفه ملاصدرا دو مکتب فلسفی مطرح وجود داشته‌است: مکتب فلسفی مشاء و اشراق. آنچه در فلسفه مشاء مشاهده می شود استدلال و برهان محض است، در حالیکه فلسفه اشراق پس از گذشت چندین قرن از مشاء به این نکته پی برد که عرفان همراه با برهان و استدلال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا شیخ اشراق و مؤسس مکتب اشراق، فلسفه را با عرفان درآمیخت. ملاصدرا علاوه بر استفاده فراوان از مکتب مشاء و اشراق از سایر مکاتب و نحله‌های اسلامی موجود نیز غافل نبوده است، از جمله عرفان و کلام؛ و این نکته از ویژگی های بارز حکمت متعالیه می باشد.</p> <p>در مرحله پایانی نیز به اتهاماتی که علیه فلسفه ملاصدرا ایراد شده‌است، پاسخ‌هایی داده شده‌است. از جمله این اتهامات که مورد بررسی قرار داده شده عبارت است از: سرقت انگاری، تناقض گویی، تأویل انگاری، تحویل انگاری و ... که در این بخش نیز پژوهشگران سعی بر آن داشته‌اند که این اتهامات را که از زمان تأسیس حکمت متعالیه تا به امروز وجود داشته‌است را مورد بررسی قرار داده و پاسخ‌هایی نیز به آنها داده شود</p>			
<b>واژگان کلیدی:</b> حکمت متعالیه، مشاء، اشراق، برهان، کلام، تأویل، تحویل، سرقت			
نام و نام خانوادگی دانشجوین	موضوع پایان نامه	استاد راهنما	استاد مشاور

## چکیده پایان‌نامه

در عالم فلسفه اسلامی - به تأیید اکثر محققان و اندیشمندان این حوزه - حکمت متعالیه صدرالمتألهین شیرازی، گوی سبقت را از سایر مکاتب فلسفی ربوده‌است و پس از گذشت قرن‌ها، هنوز از جایگاهی بس رفیع در این حوزه برخوردار است. جهت کشف این امتیاز برجسته، لازم است تا سیری منطقی در این زمینه مورد تحقیق و سؤال قرار گیرد که در پژوهش حاضر نیز- در حد توان- پژوهشگران سعی خود را بر این موضوع مبذول داشته‌اند.

اولین گامی که در این زمینه برداشته‌شد، بررسی روش‌های فکری سابق بر ملاصدرا و چگونگی تلفیق این روش‌ها توسط محدث حکمت متعالیه است. پیش از فلسفه ملاصدرا دو مکتب فلسفی مطرح وجود داشته‌است: مکتب فلسفی مشاء و اشراق. آنچه در فلسفه مشاء مشاهده می‌شود استدلال و برهان محض است، در حالیکه فلسفه اشراق پس از گذشت چندین قرن از مشاء به این نکته پی برد که عرفان همراه با برهان و استدلال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا شیخ اشراق و مؤسس مکتب اشراق، فلسفه را با عرفان درآمیخت. ملاصدرا علاوه بر استفاده فراوان از مکتب مشاء و اشراق از سایر مکاتب و نحله‌های اسلامی موجود نیز غافل نبوده است، از جمله عرفان و کلام؛ و این نکته از ویژگی‌های بارز حکمت متعالیه می‌باشد.

در مرحله پایانی نیز به اتهاماتی که علیه فلسفه ملاصدرا ایراد شده‌است، پاسخ‌هایی داده شده‌است. از جمله این اتهامات که مورد بررسی قرار داده شده عبارت‌است از: سرقت انگاری، تناقض‌گویی، تأویل انگاری، تحویل انگاری و ... که در این بخش نیز پژوهشگران سعی بر آن داشته‌اند که این اتهامات را که از زمان تأسیس حکمت متعالیه تا به امروز وجود داشته‌است را مورد بررسی قرار داده و پاسخ‌هایی نیز به آنها داده شود

واژگان کلیدی: حکمت متعالیه، مشاء، اشراق، برهان، کلام، تأویل، تحویل، سرقت

